

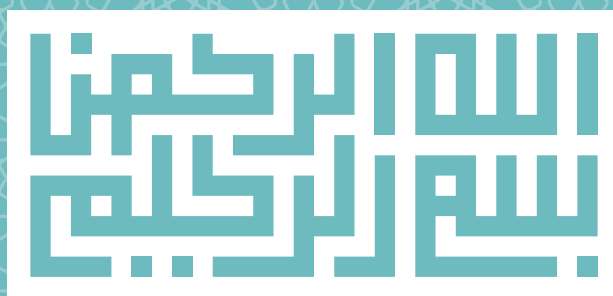


جمعیت هلال احمر
جمهوری اسلامی ایران

گزارش خدمات جمعیت هلال احمر به زائران امام رضا (ع)

در دهه پایانی ماه صفر | شهریور ۱۴۰۳





جمعیت هلال احمر
جمهوری اسلامی ایران

تهیه شده در اداره کل
روابط عمومی و ارتباطات مردمی
جمعیت هلال احمر
جمهوری اسلامی ایران



«خادمی امام رضا علیه السلام افتخار من است
حقاً و انصافاً خدمت آستان مقدس امام هشتم علیه السلام وقتی
با شرایط و شئون ویژه‌ی آن انجام بگیرد، از بزرگترین ارزش‌ها
و بزرگترین افتخارات است و امروز چنین چیزی میسر است و
وجود دارد، بنده هم افتخار می‌کنم اگر چه به نام و نه به عمل
جزء شما هستم و مشرف به خدمت این آستان قدسم...»

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

مقدمه

هر ساله همزمان با دهه پایانی ماه صفر و شهادت امام رضا (ع) جمع کثیری از عاشقان امام رئوف از اقصی نقاط کشور و خارج از مرزهای کشور پای پیاده عازم مشهد میشوند و ارائه خدمات امداد و نجات و سلامت یکی از موضوعات مهم این دهه است. در همین راستا جمعیت هلال احمر به عنوان متولی اصلی امداد و نجات در کشور و به ویژه ایجاد شرایط آمادگی و پاسخگویی اضطراری در حوادث و سوانح احتمالی در دهه پایانی ماه صفر در ۴ محور امداد و نجات، بهداشت و درمان، اسکان اضطراری و اقدامات حمایتی فعالیتهای خود را در خراسان رضوی اجرایی کرده است. خدمات رسانی به زائران امام رضا (ع) در دهه پایانی صفر امسال در حالی انجام شد که ۱۵۰۰ امدادگر و نجاتگر و ۳۵۰۰ عضو جوان و داوطلب جمعیت هلال احمر از ۲۵ استان کشور در قالب طرحهای «همسفران خورشید»، «قدم به قدم در مسیر بهشت»، «اسکان زائران» و «خدمت مهرورزی» از تاریخ ششم تا پانزدهم شهریور ماه به زائران خدمات رسانی کردند که در این گزارش به تفکیک اعلام می شود.

لازم به تاکید است به منظور ظرفیت سازی ارتقاء و مدیریت بهینه خدمات سلامت و امداد و نجات می بایست به راهبردهای اساسی زیر توجه لازم را معطوف نمود:

- تقویت و ارتقاء ساختار ارائه خدمات سلامت و امداد و نجات توسط جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران
- تقویت و ارتقاء هماهنگی و همکاری های درون و برون بخشی در حوزه خدمات سلامت و امداد و نجات
- جلب مشارکت مردمی و بسیج اجتماعی از طریق ارتقاء دانش و مهارت های خود امدادی و دگر امدادی و توانمندسازی مردم برای نیل به اهداف برنامه ریزی شده و ارائه خدمات بهینه به زائرین

خلاصه‌ای عملکرد جمعیت هلال احمر در دهه پایانی ماه صفر

۱. خدمت‌رسانی جمعیت هلال احمر در ۴ محور خدمات امداد و نجات، خدمات بهداشت و درمان، خدمات اسکان اضطراری و خدمات حمایتی (ویلچر) برای افراد کم توان
۲. تشکیل ستاد اجرای طرح‌های "اسکان اضطراری"، "قدم به قدم در مسیر بهشت"، "همسفران خورشید" و "خدمت مهرورزی"
۳. جلسات هماهنگی منظم و مکرر با سازمان‌ها و دستگاه‌های ارائه‌دهنده خدمات برای هم‌افزایی و همکاری بیشتر
۴. شروع عملیات خدمت‌رسانی جمعیت هلال احمر از تاریخ ۵ شهریور و ادامه یافتن عملیات تا ۱۵ شهریور ۱۴۰۳
۵. اعزام و استقرار ۵۰۰۰ عضو جوان، امدادگر و داوطلب از ۲۸ استان کشور برای اجرای طرح قدم به قدم در مسیر بهشت و طرح همسفران خورشید
۶. استقرار ۱۱۶ پایگاه، قرارگاه امدادی و اکیپ سیار در مسیر تردد زائران در قالب‌های شیفت‌های ۱۲ و ۲۴ ساعته با فاصله حداکثر ۵ کیلومتر در طرح همسفران خورشید ۹
۷. استفاده از ظرفیت ۱۳۵۵ تیم عملیات برای پوشش طرح همسفران خورشید ۹ (۵۴۲۰ نفر روز). در طرح همسفران خورشید سازمان امداد و نجات و استان‌های تهران، اصفهان، سمنان، خراسان شمالی، یزد، سیستان و بلوچستان، گلستان و قزوین با ۴۷ نیروی عملیاتی با استان خراسان رضوی همکاری داشته‌اند.
۸. بکارگیری ۲۱۲ دستگاه خودرو و یک فروند بالگرد (۵۹ دستگاه آمبولانس، ۲ دستگاه اتوبوس آمبولانس، ۸ دستگاه موتورلانس، ۲۷ دستگاه خودروی نجات، ۳۸ دستگاه خودرو کمک‌دار سبک، ۲ دستگاه خودروی ارتباطات، ۷۶ دستگاه سایر خودروها (سواری، وانت، کامیون، کامیونت، تریلی و...)) و یک فروند بالگرد. لازم به ذکر است در طرح همسفران خورشید سازمان امداد و نجات و استان‌های تهران، اصفهان، سمنان، خراسان شمالی، یزد، سیستان و بلوچستان، گلستان و قزوین با استعداد ۱۹ دستگاه خودروی آمبولانس، ۱ دستگاه اتوبوس آمبولانس و ۴ دستگاه خودروی وانت با استان خراسان رضوی همکاری داشته‌اند.
۹. استقرار ۵۰۰ نفر در قالب تیم‌های ۵ نفره در ۵۰ نقطه اطراف حرم (در ۲ شیفت) برای واکنش سریع به حوادث احتمالی در تجمعات انبوه و پیشگیری از گرمزدگی
۱۰. ارائه ۵۴۲۰ نفر روز خدمت، ۹۴/۳۴۵ خدمت سرپایی، انتقال ۶۸ مصدوم و امداد رسانی به ۳۲/۸۷۵ نفر در طرح همسفران خورشید
۱۱. ارائه خدمت به ۱۲۷/۰۴۴ نفر در قالب ۳۶۵۶ کاروان‌های زائران پیاده در قالب طرح همسفران خورشید
۱۲. بهره‌مندی از ظرفیت مواکب، سازمان‌ها، مساجد جهت پیش‌بینی اسکان اضطراری
۱۳. توزیع ۴۸۰۵۶ قلم اقلام زیستی از جمله ۱۱۱۶۳ تخته موکت، ۳۵۵۷۱ تخته پتو و ۱۳۲۲ دستگاه چادر مسافرتی و امدادی در محل‌های اسکان اضطراری زائران
۱۴. استفاده از ۷۰۰ دستگاه ویلچر در ۱۴ ایستگاه ویلچررانی در کلیه محورهای دارای منبع تردد خودروبی منتهی به حرم مطهر در قالب طرح قدم به قدم در مسیر بهشت
۱۵. کمک‌رسانی به ۳۰۴ هزار نفر زائر کم‌توان با اجرای طرح قدم به قدم در مسیر بهشت
۱۶. توزیع ۳۳۱۴ نسخه بسته‌های آموزشی و تبلیغاتی و فرهنگی
۱۷. ارائه خدمات گرمزدگی به ظرفیت ۲۸ دستگاه مه‌پاش
۱۸. ارائه بیش از ۱۳ هزار و ۳۰۰ خدمت در قالب تیم‌سحاب با بهره‌مندی از ۳۱۵ تیم (۱۲۶۰ نفر روز) برای اولین بار
۱۹. افزایش ۲ برابری ظرفیت امدادی در محور سرخس - سدکلات با هدف افزایش ظرفیت و تقویت پوشش امدادی در مسیرهای پرتردد زائران پیاده در محورهای نیشابور، قوچان و چناران به مشهدالرضا بویژه در موضوع پیشگیری از گرمزدگی و توزیع ۴ برابری دارو نسبت به مدت مشابه سال قبل ارسال
۲۰. اعزام و استقرار بیش از ۶۰۰ نفر از داوطلبان کادر سلامت مشتمل بر پزشکان فوق تخصص، متخصص، عمومی، داروساز، پرستار، فوریت‌های پزشکی و...
۲۱. فعال‌سازی ۳۵ پایگاه ارائه خدمات درمانی (طرح خدمت مهرورزی) در مسیر تردد و اسکان زائران با بهره‌گیری از کمک‌های اولیه جمع‌آوری شده در طرح مرهم زائر
۲۲. هماهنگی با اورژانس و پلیس راهور برای بحث تخصیص مسیر سبز برای تردد آمبولانس؛ معاون استاندار خراسان رضوی در جلسه به طور ویژه بابت این امر از جمعیت هلال احمر تشکر کرد.
۲۳. عملیات خدمت‌رسانی با حضور ۵ هزار داوطلب جوان دختر و پسر با لباس‌های متحدالشکل در حرم امام رضا(ع) و با حضور قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی انجام شد. پایان عملیات خدمت‌رسانی و مراسم اختتامیه با حضور ۵ هزار عضو جوان در محل برگزاری نمایشگاه بین‌المللی مشهد برگزار شد.



اصول حاکم بر ارائه طرح‌های خدمت به زائران حضرت رضا(ع) در دهه پایانی ماه صفر

- **اصل اول:** هماهنگی بین بخشی و مدیریت کلان و متمرکز
- **اصل دوم:** رعایت نظم و انضباط و امنیت
- **اصل سوم:** اولویت بخشی به اقدامات فرهنگی و نرم افزاری با هدف ارتقاء و توسعه فرهنگ زیارت
- **اصل چهارم:** توسعه تسهیلات و خدمات به زائرین در دهه پایانی ماه صفر
- **اصل پنجم:** توسعه مشارکت های اعضای جوان در اجرای برنامه ها
- **اصل ششم:** مدیریت مطالبات و انتظارات عمومی از جمعیت
- **اصل هشتم:** حاکمیت نگاه تمدنی، آینده نگر، جهانی و جامع در برنامه ها



سیاست‌ها

سیاست‌های جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در ارائه خدمات سلامت و امداد نجات به زائران امام رضا(ع) در دهه پایانی ماه صفر در ۵ سیاست و ۱۸ شاخص راهبردی تعیین شد که به شرح زیر است:

سیاست اول: ترویج فرهنگ زیارت

- تقویت انسجام و یکپارچگی خدمات سلامت و امداد و نجات
- تقویت همگرایی دستگاه‌ها و هیات‌ها و گروه‌های خدمت‌رسان در بخش سلامت و امداد و نجات
- بهره‌گیری از فرصت دهه پایانی ماه صفر بعنوان یک منبع لایزال تولید قدرت نرم تشیع در بخش سلامت و امداد و نجات
- رعایت حداکثری اخلاق اسلامی و آداب زیارت و خدمت‌رسانی

سیاست دوم: حفظ نظم و امنیت در خدمات

- شناخت تهدیدات، چالش‌ها و مخاطرات احتمالی و بیماری‌های نوپدید با هدف پیشگیری و مقابله با آنها
- تقویت همکاری‌های بهداشتی درمانی بین سازمانی در راستای ارائه خدمات بهینه و با کیفیت و ایجاد هم‌افزایی
- حاکمیت قانون به منظور ایجاد نظم و امنیت سلامت

سیاست سوم: مردم‌محوری و تعامل با گروه‌های جهادی

- سازماندهی و مشارکت در خدمات داوطلبانه مردم و نهادهای اجتماعی و مردمی در ارائه خدمات سلامت و امداد و نجات
- تسهیلگری نقش مردم و گروه‌های جهادی در این خصوص

سیاست چهارم: هدایت، کنترل و مدیریت ارائه خدمات

- برنامه‌ریزی دقیق بر اساس تجارب و آسیب‌شناسی سال‌های گذشته
- نظارت بر اجرای برنامه‌های محوله
- برنامه‌ریزی آموزشی، پژوهشی و اطلاع‌رسانی

سیاست پنجم: ایجاد هماهنگی با سیاست هم‌افزایی در ارائه خدمات

- تقویت فرهنگ کار گروهی و مدیریت جهادی
- تقسیم کار منطقی در ستاد و صف
- طراحی و تقویت الگوی همکاری و هماهنگی در حوزه تعامل سازمان‌ها
- مستندسازی اقدامات انجام شده در مراحل مختلف
- آسیب‌شناسی مستمر مراسم با هدف ارتقاء کمی و کیفی خدمات سلامت و امداد و نجات

اقدامات انجام شده توسط جمعیت هلال احمر در دهه پایانی ماه صفر

- پوشش خدمات امدادی مسیرهای تردد زائرین توسط پایگاه های ثابت امداد و نجات بین شهری
- آمادگی عملیاتی به منظور امدادرسانی و اسکان اضطراری حادثه دیدگان و مصدومین احتمالی در جاده های منتهی به مشهدالرضا (ع)
- حفظ آمادگی و ارائه خدمات امداد و نجات در شرایط اضطراری و بحران ها با مشارکت سایر دستگاه های مسئول.
- آماده باش پایگاه های ثابت امداد و نجات بین شهری در مسیرهای تردد زائرین.
- آماده باش کامل پایگاه های امداد و نجات بین شهری استان های پشتیبان در طول برگزاری طرح
- ایجاد آمادگی و ارائه خدمات امدادی به زائرین در مسیرهای منتهی به مشهد و در صورت نیاز به زائرین در مبادی مرزی
- ارائه خدمات درمان سرپایی و بستری به صورت اورژانسی
- آمادگی برای ارائه خدمات امدادی در شرایط اضطراری در صورت بروز حملات تروریستی و بیوتروریستی.
- آماده نگهداشتن و تامین تجهیزات مورد نیاز و پشتیبانی مراکز عملیات جمعیت هلال احمر
- پشتیبانی عملیات هوایی و استقرار بالگرد
- بهره مندی از ظرفیت اعضای جوان جهت تسهیل در تردد زائران کم توان
- راه اندازی و استقرار مرکز کنترل و هماهنگی عملیات جمعیت (EOC)
- حفظ آمادگی امدادی جمعیت برای انجام وظایف قانونی در شرایط اضطراری و در زمان بحران های طبیعی
- هماهنگی با واحدهای همکار و پشتیبان به منظور تأمین نیازهای عملیات نجات و امدادرسانی
- پشتیبانی لجستیکی و تأمین ارتباطات مخابراتی و رادیویی برای ظرفیتهای پاسخ اضطراری ستادی و میدانی
- ارزیابی های تخصصی و مستمر شرایط و منابع مورد نیاز برای پاسخ اضطراری
- تهیه و ارائه گزارش از عملیات نجات و امدادرسانی
- تولید بسته آموزشی ویژه فضای مجازی شامل پادکست، فیلم های کوتاه و پوسترهای آموزشی مختلف در مورد گرمزدگی، فوریت های پزشکی، تجمعات انبوه، آتش سوزی، پانسمان
- انجام هماهنگی های لازم با معاونت آموزش پژوهش و فناوری جمعیت هلال احمر جهت بستر سازی آموزش شرکت کنندگان در طرح (گرمزدگی، پشه آکدس، تجمعات انبوه، ایمنی راندن ویلچیر) و اطلاع رسانی و پشتیبانی مربوطه
- تشکیل قرارگاه رسانه ای با استفاده از ظرفیت نیروهای متخصص داوطلب در حوزه تولید محتوا برای مدیریت اطلاع رسانی، ارتباط با اصحاب رسانه، مستندسازی و پوشش لحظه ای اقدامات انجام شده



محورهای خدمات

۱. امداد و نجات (طرح همسفران خورشید ۹)

پوشش خدمات امدادی مسیرهای تردد زائرین توسط پایگاه های ثابت امداد و نجات بین شهری و آماده باش کامل پایگاههای امداد و نجات بین شهری استان های پشتیبان در طول برگزاری طرح و پشتیبانی لجستیکی و تأمین ارتباطات مخابراتی و رادیویی برای ظرفیتهای پاسخ اضطراری ستادی و میدانی از جمله وظایف تعریف شده در حوزه امداد و نجات بود که در این راستا اقدامات زیر انجام شد.

- مشارکت بیش از ۱۵۰۰ نفر از نیروهای عملیاتی امداد و نجات از ۲۵ استان
- استقرار ۱۱۶ پست امداد رسان در مسیر تردد زائران با فاصله حداکثر ۵ کیلومتر در طرح همسفران خورشید ۹
- استقرار ۲۱۲ خودروی سبک و سنگین امدادی و یک فروند بالگرد
- ارائه ۵۴۲۰ نفر روز خدمت، ۹۴/۳۴۵ خدمت سرپایی، انتقال ۶۸ مصدوم و امداد رسانی به ۳۲/۸۷۵ نفر

۲. طرح قدم به قدم در مسیر بهشت

بهره مندی از پتانسیل ظرفیت اعضای جوان در جهت تسهیل در تردد زائران کم توان با ویلچر یکی از فعالیت های موثر جمعیت هلال احمر در ارائه خدمات بوده است. در سه روز پایانی دهه آخر صفر و انسداد مسیرها منتهی به حرم مطهر، با مشارکت ۳۰۰۰ نفر از جوانان داوطلب هلال احمر و استفاده از صندلی چرخدار برای جابه جایی زائران سالمند و کم توان اقدامی موثر در راستای تسهیل در تردد زائران ایجاد شد.

- اعزام و استقرار ۳۰۰۰ عضو جوان داوطلب از ۲۵ استان کشور برای اجرای طرح قدم به قدم در مسیر بهشت
- استفاده از ۷۰۰ دستگاه ویلچر در ۱۴ ایستگاه ویلچر رانی در کلیه محورهای دارای منبع تردد خوددوری منتهی به حرم مطهر

- مشارکت ۸۳۳ نفر از اعضای جوانان هلال احمر و انجام ۴۸ هزار ساعت نفر خدمت
- کمک رسانی به ۳۰۴ هزار نفر زائر کم توان با اجرای طرح قدم به قدم در مسیر بهشت



Photo:
Arshia Farhang

۳. بهداشت و درمان (طرح خدمت مهرورزی)

جمعیت هلال احمر در قالب طرح خدمت مهرورزی با بهره مندی از ظرفیت نیروهای داوطلب متخصص بهداشت و درمان و استقرار در ۳۵ پایگاه نسبت به ارائه خدمات درمانی به زائران اقدام کرد.

■ اعزام و استقرار بیش از ۶۰۰ نفر از داوطلبان کادر سلامت مشتمل بر پزشکان فوق تخصص، متخصص، عمومی، داروساز، پرستار، فوریتهای پزشکی و

■ فعال سازی ۳۵ پایگاه ارائه خدمات درمانی (طرح خدمت مهرورزی) در مسیر تردد و اسکان زائران با بهره گیری از کمک های اولیه جمع آوری شده در طرح مرهم زائر

■ ارائه قریب ۷۵ هزار نفر خدمت درمانی به زائران در مدت زمان اجرای طرح

■ تامین، توزیع دارو به ارزش یک میلیارد تومان

۴. اسکان اضطراری

آمادگی عملیاتی به منظور اسکان اضطراری زائران و فراهم سازی ظرفیت اسکان در مسیرهای منتهی به مشهدالرضا (ع) از اقدامات انجام شده در طول برگزاری طرح خدمت به زائران بوده است. در این طرح استفاده از ظرفیت سایر نهادها و موبک ها برای ایجاد مکان های اسکان اضطراری در دستور کار قرار گرفت.

■ بهره مندی از ظرفیت مواکب، سازمان ها، مساجد جهت پیش بینی اسکان اضطراری

■ توزیع اقلام زیستی از جمله ۱۱۱۶۳ تخته موکت، ۳۵۵۷۱ تخته پتو و ۱۳۲۲ دستگاه چادر مسافرتی و امدادی در

محل های اسکان اضطراری زائران



اقدامات و فعالیت ها با هدف کنترل و مدیریت بحران های احتمالی

جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران در راستای پیشگیری، مقابله، کنترل و مدیریت بحران های احتمالی با احصای مهمترین و شایع ترین بحران های احتمالی اقدامات پیشگیرانه را در دستور کار خود قرار داد.

- مدیریت تجمعات انبوه
- پدافند غیرعامل در دهه پایانی ماه صفر
- پیشگیری بیماری های شایع همچون گرمادزدگی، کرونا، وبا...
- حوادث و سوانح ترافیکی در تمامی مبادی کشور
- پیش بینی احتمال وقوع حوادث طبیعی و غیرطبیعی
- برنامه رسانه ای فعالیت های بین المللی جمعیت هلال احمر در اربعین حسینی



به روایت قلم

نذر جان

در خیابان شهدای مشهد دیدنش، زیر آفتاب سوزان اوایل شهریور ویلچر به دست با گام های تند به سمت ورودی حرم میرفت، چیزی که توجه مرا جلب کرده بود اینکه چرا پابرهنه؟!

گام هایم را بلندتر کردم تا به او برسم، نمیشناختمش فقط از روی تن پوش و کاور تنش می دانستم هلال احمری است و در طرح قدم به قدم در مسیر بهشت سازمان جوانان به زوار امام رضا خدمت می کند.

تا رسیدم شروع کردم به گرفتن عکس، و پرسیدن سوالات ذهنم.

گفت: تندتر بریم؟ پاهام میسوزه...

آفتاب ظهر، حرارت آسفالت زمین را زیادتر کرده بود و او با پای پیاده و برهنه همچنان راه می رفت.

بدون اینکه پاسخی بدهم بر سرعت قدم هایم اضافه کردم و پرسیدم چرا اینجایی و بدون کفش؟

خیلی آرام گفت: ما نذر کردیم هر موقع اومدیم حرم امام رضا اصلاً کفش پامون نکنیم.

کنجکاوی ذهنم هنوز، به جواب نرسیده بود.

دوباره سوالم را به شکلی دیگر پرسیدم؛ نذرتون چی بوده، شخصیه؟

و او سر به زیر کمی فکر کرد و گفت: اول شفای کل بیماران از آقا خواسته ام، بعدشم یه آرزو دارم اگه خدا بخواد و امام رضا قبول کنه برام برآورده کنه.

پرسیدم چندمین بار است به زیارت امام رضا آمدی؟

اینبار با برقی در چشمانش که نشان از شوقی بر پایان انتظار طولانی بود، گفت: من دومین بار است به مشهد میام، ۱۸ سال پیش آمده بودم و آن زمان ۸ سالم بود و امسال ۲۸ ساله ام، خیلی هم آرزو داشتم باز اینجا را ببینم و حرم امام رضا را که آقا طلبید.

از چشم هایش میشد فهمید در این مدت طولانی چقدر حال و هوای زیارت و دیدار داشته، ادامه داد؛

چهارماه پیش تصادف سختی کرده بودم موقع تصادف آقا رو صدا زدم، بعد به لطف آقا هیچ اتفاق بدی رخ نداد، و آن تصادف هیچ خسارت جانی نداشت، این شد که نذر کردم، اگر سالم بمانم، پابرهنه تا آخر عمرم هروقت به مشهد آمدم توی شهرش با پای برهنه بگردم و خادمی آقا را بکنم.

پرسیدم چطور شد که برای این سفر انتخاب شدی؟

گفت، تو ادارمون قرعه کشی بود، در قرعه کشی اسم من در اومد، راستش آقا طلبید و از بین ۵ نفر اسم من دراومد.

حالا به باب الرضا رسیده بودیم و او کمک کرد تا زائر و مسافر ویلچرش با احترام پیاده شود برای خدمتی دوباره، در آن لحظه فقط یک آرزو داشتم، اینکه من هم شامل تمام آن زمزمه ها و دعاها ی خیر زائری که به حرم یار رسانده باشم.

به نام خداوند بخشنده و مهربان

ای امام رضا (ع)، ای شمس الشموس، ای مهربان‌ترین پناهگاه دل‌های خسته و مشتاق. امروز، در این مسیر نورانی و مقدس، به عنوان یک زائر کوچک و خدمتگزار، با دلی پر از عشق و ارادت به سوی حرم مطهر شما قدم برمی‌دارم. هر قدمی که برمی‌دارم، هر نفسی که می‌کشم، همه و همه به امید دیدار شماست، به امید لمس کردن آن آرامش بی‌نهایت که در حرم شما جاری است.

در این مسیر، افتخار خدمت‌رسانی به زائران دیگر را دارم. با ویلچر به کمک زائرانی می‌روم که شاید توانایی جسمی برای پیمودن این مسیر را ندارند، اما دل‌هایشان پر از عشق و ارادت به شماست. هر لب‌خندی که بر لبانشان می‌نشیند، هر دعایی که از دلشان برمی‌خیزد، برای من بزرگ‌ترین پاداش است.

ای امام رئوف، هر بار که دست یک زائر را می‌گیرم و او را با ویلچر به سوی حرم شما هدایت می‌کنم، احساس می‌کنم که خودم نیز به شما نزدیک‌تر می‌شوم. هر بار که چشمان یک زائر را می‌بینم که از شوق و اشتیاق به دیدار شما می‌درخشد، قلبم پر از نور و امید می‌شود.

در این طرح "قدم به قدم در مسیر بهشت"، هر قدمی که برمی‌دارم، هر خدمتی که انجام می‌دهم، به امید رضایت شماست. ای امام رضا (ع)، از شما می‌خواهم که این خدمت کوچک را از من بپذیرید و مرا در مسیر عشق و ارادت به خودتان ثابت قدم نگه دارید.

ای امام مهربان، در این مسیر نورانی، هر لحظه‌ای که می‌گذرد، هر نفسی که می‌کشم، همه و همه به امید دیدار شماست. از شما می‌خواهم که دل‌های ما را به نور ایمان و عشق به خودتان روشن کنید و ما را در مسیر خدمت به دیگران یاری دهید.

با دلی پر از عشق و ارادت،

یک زائر کوچک و خدمتگزار شما

زهرآقابابایی دهکردی

چهارمحال و بختیاری

چه خوش است نظر کرده رضا (ع) باشی....

زیارت اولی بودن و قدم گذاشتن به مشهد مقدس، تجربه‌ای است که با هیچ کلمه‌ای قابل توصیف نیست. همیشه تصورم از مشهد، یک قطعه از بهشت خدا روی زمین بود.

وقتی برای اولین بار چشمم به گنبد طلایی امام رضا (ع) افتاد، قلبم از شوق و عشق لبریز شد. هر قدمی که در مسیر بهشت برمی‌داشتم، حس می‌کردم که به خدا نزدیک‌تر می‌شوم.

شرکت در سومین دوره طرح ملی قدم به قدم در مسیر بهشت و خدمت‌رسانی به زوار امام رضا (ع)، افتخار بزرگی بود که نصیبم شد تا خادم این امام رئوف و زوارش باشم.

دیدن لب‌خند زائران و شنیدن دعای خیرشان، خستگی را از تنم می‌زدود. هر لحظه‌ای که در خدمت زائران بودم، احساس می‌کردم که در حال انجام وظیفه‌ای مقدس هستم.

در همین حوالی و در زیر سایه امام هشتم که مشغول ثبت و ضبط لحظات شیرین خدمت بودم که با یک تماس، ذوق دریافت هدیه از امام مهربانی‌ها را کردم آن هم چه تهنه‌ای یک تکه از فرش حرم آن امام همام.

به راستی چه زیبا گفته اند:

بر فرش حرم گرد و غباریم و نشستیم

ما را نتکانی، نتکانی، نتکانی...

از مزه و رنگ و لعاب غذای حضرتی که نگم براتون؛ به راستی متوجه شدم چرا مردم برای میل کردن حتی یک قاشق از غذای امام رضا (ع) تلاش می‌کنند.

این تجربه نه تنها روح مرا تازه کرد، بلکه به من یاد داد که خدمت به دیگران، بزرگترین عبادت است. از خداوند متعال سپاسگزارم که این فرصت را به من عطا کرد و از تمامی مسئولان و همکارانم در جمعیت هلال احمر که این مسیر را برای من هموار کردند، بی‌نهایت ممنونم.

امیدوارم که بتوانم در آینده نیز در این راه مقدس قدم بردارم و به زائران امام رضا (ع) خدمت کنم.

عرفانه نعمتیان

یک زیارت اولی

من و خواهرم قرار بود به صورت شخصی به مشهد برویم. خیلی دلم هوای زیارت و حرم امام رضا کرده بود. روز عاشورا خیلی دلم هوای مشهد داشت و قصد کرده بودم که ایام آخر ماه صفر عازم مشهد باشم. اسم داده بودم که اربعین همراه تیم امدادی به کربلا برای خدمت بروم، چون یک همکار از اتباع داشتم که میخواست به سفر اربعین برود از رفتن منصرف شدم، چون میدانستم اتباع فقط در ایام اربعین با توجه به شرایط مهاجرت میتوانند به کربلا بروند.

به او گفتم تو برو به کربلا و من به جای تو شیفت ها را میروم، تا از این طریق من هم در ثواب زیارتت شریک باشم. من از این خواسته و علاقه قلبی عبور کردم به خاطر کسانی که به جز ایام اربعین نمیتوانند به سفر کربلا مشرف شوند. خیلی حال غریبی داشتم و تو این روزها خودم رو به هر دری می زدم که مشهد بروم. اول قرار بود خانوادگی به مشهد سفر کنیم. تقریباً همه کارها انجام شده بود. چند روز مانده بود به حرکت که پای پدرم به صورت ناگهانی درد گرفت، به طوری که به سختی راه می رفت. مادر بزرگم هم عمل داشت و مادرم باید پیش او می رفت برای همراهی و پرستاری. از طرفی هم پدر و مادرم نمی خواستند روی ما ناراحت باشیم و نمی دانستند چطور باید به ما بگویند که نمی توانیم بیایم مشهد.

با این شرایط در ایام نزدیک به شهادت امام رضا(ع) بلیط هیچ وسیله ای هم به راحتی پیدا نمیشد. حقیقتش خیلی هم پول نداشتم. تا اینکه یک هفته قبل از شهادت امام رضا اقدام دنبال بلیط خریدن و وقتی خیلی دلشکسته بودم رو کردم به حرم حضرت معصومه س گفتم؛ مگه ما همسایه شما نیستیم چرا کارمون رو درست نمی کنی؟

همین طور که با این حال و احوال می رفتم به یک آژانس مسافرتی رسیدم و سراغ بلیط گرفتم، متصدی گفت ما فقط الان بلیط هواپیما داریم قیمت گرفتیم و هرچی پول داشتم رو واسه بلیط پرداخت کردم. گفتم امام رضا جانم من الان دارم همه دارایی ام رو برای زیارت شما میدم خودت بقیه کارامو درست کن. بلیط برگشت و جا نداشتم. خیلی بلیط رو پیگیری میکردم خواهرم پول قرض داد و من بلیط برگشت رو هم گرفتم فقط جای استراحت نداشتم. زنگ زد به دوستان هلال احمر گفتم شرایط اینطوری شده و عازم هستیم فقط جای اسکان نداریم. او گفت من پیگیرم شرایط درست بشه و خبر میدم و دوباره گفت: امام رضایی که تا اینجا کار شما رو درست کرده بقیه اش رو هم درست می کنه نگران نباشید. روز بعد از طرف جمعیت استان تماس گرفتند و گفتند اگر بخواهید میتوانید شما بیایید و با تیم درمان به مشهد بروید. شرایط را پرسیدم و در چشم بر هم زدن همه چیز هماهنگ شد و ما با تیم درمان به مشهد رفتیم. خیلی استرس داشتم. حالی سرشار از ذوق و اشتیاق و اینکه چطور می شود آن را وصف کرد نمی دانم... فقط میتوانم بگویم که فقط خود امام رضا همه کار را جور کرد و راه هموار شد و آدم هایی را سر راهمان قرار داد و این نعمت ها همه برایم ارزشمند است. از خدا میخواهم همیشه کارهای همه و امور ما را طوری برآورده کند که همیشه شیرینی اش زیر زبانمان مثل این سفر دلچسب بماند.

عطیه محمدی

قم

و من حاجت روا شدم.....

شیفت دوم خدمت رسانی با ویلچر برای بردن زائران سالمند و کم‌توان نیازمند بودم. حدفاصل میدان شهدا تا حرم مطهر. همون نزدیکیای حرم تو دوربرگردان شیرازی بود که مادر بزرگ عزیزی را دیدم روی زمین جلو دارالشفا نشسته. سلام و احوال‌پرسی کردم و ازشون خواهش کردم که همراهیشون کنم تا دم حرم بنده خدا. گفتن من خیلی سنگین وزنم و شما نمیتونی منو ببری. حالا از ما اصرار و از اون مادر بزرگ انکار. یکی دو دقیقه ای طول کشید. بالاخره راضی شدن. گفتم حاج خانم دعا کن دستام جون بگیره تا بتونم ببرمت تا دم حرم.

خندید. چند تا دعا کرد برام و راه افتادم. تو مسیر حدوداً یک دقیقه ای همش داشت دعا میکرد. تا رسیدیم اول ورودی زد زیر گریه و شروع کرد دعا کردن برای خانواده‌ام، و اینکه عاقبتم بخیر بشه. ترمز ویلچرها را زدم و رفتم جلو ویلچر نشستم. رفتم زیر پای ویلچر حاج خانوما بزنم کنار که یکباره خودمم گریه افتادم و همونجا نشستم. حاج خانم دعا و گریه منم گریه، اون لحظه هزاران هزار بار جای شکر گزاری داره برام. حال عجیبی بود.....

مصطفی صالحی
اصفهان

سلام علی ال طاهّا و یاسین

ساعت حرم هم گذر کردن را نشانم داد ولی من همچنان ایستاده بودم روبه صحن اش، من آنجا گم شدم، در حرف هایم، در برابر آن آقا، در برابر باباجان، سیلی به راه افتاد درونم، از آن سیل هایی که بدون خرابی آجر به آجر زندگی ات را از نو روی هم میگذارد، انگار بخواهد مسیرت را اصلاح کند، انگار که بخواهد خود واقعی ات را به خودت نشان دهد، بلی من آنجا با خود واقعی ام روبه رو گشتم

میگویند هرچیز به موقعش اتفاق بیفتد زیبایی های خودش را دو چندان میکند، میگویند راز دلی که سالیان درازی گفته نشود روزی خودش را نشان میدهد، از گفته های زیادی گفته ایم که باور به همه یا هیچکدامشان وصف حال دیدن فراق یار را در قالب کلمات ممکن نمی سازد... از پیچیدگی های دل و ذهن است وقتی نمیتوانی لغتی را برای بیان دیدن گنبد طلا و ضریح پیدا کنی، تو نمی دانی شور اشک چشم در آن لحظه چه آرزوهای آغشته به دردی را همراه دارد یا مسبب چه خاطرات شیرین یا تلخی ست برای رسیدن به آن نقطه، من از خود میگویم، از آن دیدار، از آن حضور، از آن دعوت، ثبت مردم خاطراتم را از آن روز، بخار کتری چای موکب اش، شیرینی شربتتی که جابخش کرد در لابلای شیار

های ذهنم، گرمایی از شوق خدمت برایش در برگرفت تمام هست و نیستم را یا بهتر است بگویم؛ بودنم را . من دلم تنگ میشود، نه برای خاطراتم، برای ذکر دعاهایی که نغمه اش در هشت ضلعی های ذهنم نقش بست، من دلم برای زمزمه های پیچیده زیارت اش در رواق های آیینی کاری شده تنگ میشود، من دلم در نماز ظهر روبه روی پنجره فولاد و گنبد طلا تنگ میشود

تشنه تر گشتم وقتی دیدم بالای سقاییش نوشته اند: ای امید جان خستگان

من کجا و تربت حرم کجا

دعوت تو بود آمدم

با نگاه رفت تو غم

از دلم زدوده میشود

تا گره رسد به دست تو

شرمگین گشوده میشود

ای که آستان قدس تو

خانه ی اجابت دعا

در میان شعله های ره

آستان تو بهشت ماست

مریم غفوریان

گاهی وقتی با دانستن تمام واژه ها اما باز هم برای بیان احساسات الفا قاصر میشن

من سیزدهمین روز از شهریور ماه به دنیا آمدم. یک جمعه گرم حوالی ساعت دوظهر درست مثل هر آدم معمولی دیگری، اما امسال خیلی متفاوت بود اینقدر متفاوت و خاص که فکر نکنم هیچوقت آن را فراموش کنم.

میخواهم از قبل تر بگویم،

سالی که برایم گذشت، سالی بود به رنگ خاکستری تیره با رگ های طلایی امید گریه کردم

نا امید شدم

شکسته شدم

لبخند زدم

قوی شدم

امید در دلم شکوفه کرد

و با تمام توانم ادامه دادم.

اینقدر حس های ضد و نقیضی را در این سال تجربه کردم که قابل وصف نیست. در همین حوالی بود که قرار شد با بچه های درمان بروم به کربلا به عنوان مستند ساز اما با تمام عشقی که از امام حسین ع در دلم دارم، نشد که بشود و خوب شاید کمی دلم رنگ بغض گرفت از این نشدن...

روزها می گذشت و استوری بچه هارو می دیدم از احوالات عتبات و کربلا در آغوش پدر جانمان حسین و این بغض بیش از پیش گلویم را فشرده می کرد.

مخصوصا برای من که دفعه قبل هم میخواستم به کربلا بروم و چون تصادف کردم، باز هم نتونستم اعزام بشوم

نشسته بودم در کنار ساحل خلیج فارس در شهر زیبایم بوشهر و در همان کافه ای که همیشه میروم، در آن هوای گرم تنها چیزی که می شد خورد یه نوشیدنی خنک پر از یخ بود، همانطور که نوشیدنی خنکم را مزه مزه میکردم و در افق های نامعلوم دلم غرق بودم، گوشه زنگ خورد و دوستم میلاد بود گفت: کجایی؟

میخوام پیام پیشت، آدرس دادم و چند دقیقه بعد میلاد در کنار من بود.

بعد از احوال پرسى های همیشگی بهم گفت میکائیل میدونی طرح قدم به قدم داره اسم نویسی میکنه و قراره بچه هارو بفرستن مشهد خادمی امام رضا ؟ با این که دلم ضعف میکرد برای شرکت در این پویش زیبا، با حالتی محزون گفتم: آره.

گفت: نمیخوای اسم بنویسی؟

گفتم: نمیدونم چون واقعا در نمی دانم ترین حالت ممکن بودم.

حال کودکی را داشتم که دلش یک آغوش محکم از پدرش را طلب میکند اما هنوز نمیتواند داون داون به سمت او برود.

رفیقم قول داد پیگیری های لازم را برای اعزام انجام دهد که متوجه شدیم لیست شهرستان اسامی تکمیل شده و من باز در حال بغض گفتم اشکال نداره ... نزدیک ساعت ده صبح بود، که از دفتر مدیرعامل تماس گرفتن گفتند: میکائیل مدیر عامل اسم تو به عنوان رابط کشوری رسانه رد کرده و باید به مشهد بروی. حالا این یک روز قبل از اعزام بچه هاست و منی که اصلا نمیدونستم چی بگم، حالم قابل وصف نبود و اینطور شد که من ۱۳ دهمین روز از شهریور ماه در زادروزم با لباس خدمت در آغوش پدرم سلطان ایران زمین امام رضا بودم.

نشستم روبروی پنجره فولادش با یک لیوان چای به اندازه یک سال با او درد دل کردم و خدا را به ابرویش قسم دادم که خودش راهگشای دردهایم باشد. همان روز شیفت شب بودیم کلی از زائرا برامون دعای خیر کردن حتی یکی از زوار برای سلامتی ما پانصد صلوات نذر کرد.

میدانید دیدن این لبخند های زیبا زائران، قشنگ ترین کادوی تولدی بود که من گرفتم. اما همه کادو هام نه بود!!! من زیارت کربلا هم از امام رضا هدیه گرفتم.

زیارتی که مطمئنم شیرینی طعمش اصلا قابل وصف با هیچ طعم دیگری در پیکره جهان هستی سال جدید زندگی من نخواهد بود.

میکائیل حیدری

بوشهر

یک درصد هم فکر نمی‌کردم که بشه.. که شهادت امام رضا مشهد باشم.

نه که دلم نخواد، نه که دوست نداشته باشم. اتفاقا از خدا خواسته بودم؛ ولی به دو دلیل خیلی امیدوار نبودم به این سفر...

اولین دلیل این بود که تقریباً یک ماه پیش مشهد بودم و فکر می‌کردم حالا نوبت دیگران است و دومین دلیل هم این بود که تازه از کربلا بازگشته بودم و تاریخ برگشتم از کربلا بعد از افتتاحیه ی طرح های خدمت رسانی دهه پایانی ماه صفر بود.

اما همان یک ماه پیش که مشهد بودم، از امام رضا خواستم که ضامنم بشود و به نیابتشان به کربلا بروم... خواستم که هر طوری که صلاح است بروم و هر طور که صلاح میدانند برگردم مشهد و از بزرگی امام حسین ع برای ایشان بگویم..

بگویم که چقدر هوامو داشتن و چقدر بهم خوش گذشته!

با تیم روابط عمومی رفتم کربلا و ۱۶ روز آنجا در حال تولید محتوا و اطلاع رسانی اخبار خدمت تیم های درمانی بودیم.

در راه برگشت به مادرم گفتم کاش شهادت امام رضا هم در حد یک سلام ، دو روزه میرفتیم مشهد.. چون امیدی نداشتم به اینکه با بچه های طرح خدمت رسانی عازم باشم.

تقریباً همه اعزام شده بودند.

روز دومی که از کربلا برگشته بودم مامانم کاملاً ناگهانی گفت: برای فردا دو تا بلیت مشهد خالی هست؛ بگیرم برات؟؟

در حالی که موضوع گفتگوی ما اصلاً مشهد نبود.

گفتم برم کجا بمونم؟

گفت با هتلی که هرسال میریم هماهنگ می کنم. شاید تا آن لحظه اصراری به رفتن نداشتم و فقط یک آرزوی کوچک در دلم بود.

ولی همین حرف ها و اراده مادرم باعث شد که کمی جدی تر به رفتن فکر کنم.

در گروه پشتیبانی بچه های رسانه بودم، کارها را میدیدم و سعی می‌کردم برای آنها ایده پیدا کنم و بفرستم.

همان لحظه هایی که مادرم دنبال بلیت بود. یک پیام از دوستان رسانه ای قلبم را لرزاند؛ نوشت: کاش اینجا بودی.

ترکیب حسی که از مادرم و آن پیام داشتم باعث شد در یک فاصله ی یک ساعته تصمیم آخر را بگیرم و وسایلم را جمع کنم.

با اینکه قرار بود با خانواده بریم و نمی شد؛ با اینکه دوستانم هیچکدامشان شرایط این سفر را نداشتند و یا سفر بودند؛ با اینکه اسکانم صددرصد نبود ولی، فردا صبح به سمت مشهد حرکت کردم.

در خصوص اسکان هیچ اطلاعی نداشتم جز اینکه دلم قرص بود به امام مهربانم...

وقتی رسیدم مشهد برایم لوکیشن فرستادند و رفتم پیش اعضای تیم رسانه باور!

جایی که شاید صلاح بر نرفتن بود تا فرصتی باشه برای بقیه. ولی رفتم و جای خالی برای من که مهمان لحظه آخری امام رضا علیه السلام بودم پیدا شد.

تا بتوانم در کنار تیم اطلاع رسانی و تولید محتوا، نه فقط بصورت پشتیبان بلکه بصورت واقعی و فیزیکی هم نقشی کوچک داشته باشم...

ادمم و به امام رضا سلام عراقی ها را رساندم و گفتم چقدر امام حسین هوامو داشت.. و چجوری رسیدم به مشهدش...

حلمای حبيب خواه

گیلان

به روایت تصویر

حضور اعضای سازمان جوانان در مشهد برای ارائه خدمات به زائران کم توان در طرح قدم به قدم در مسیر بهشت



Photo:
Zahra Kazemian



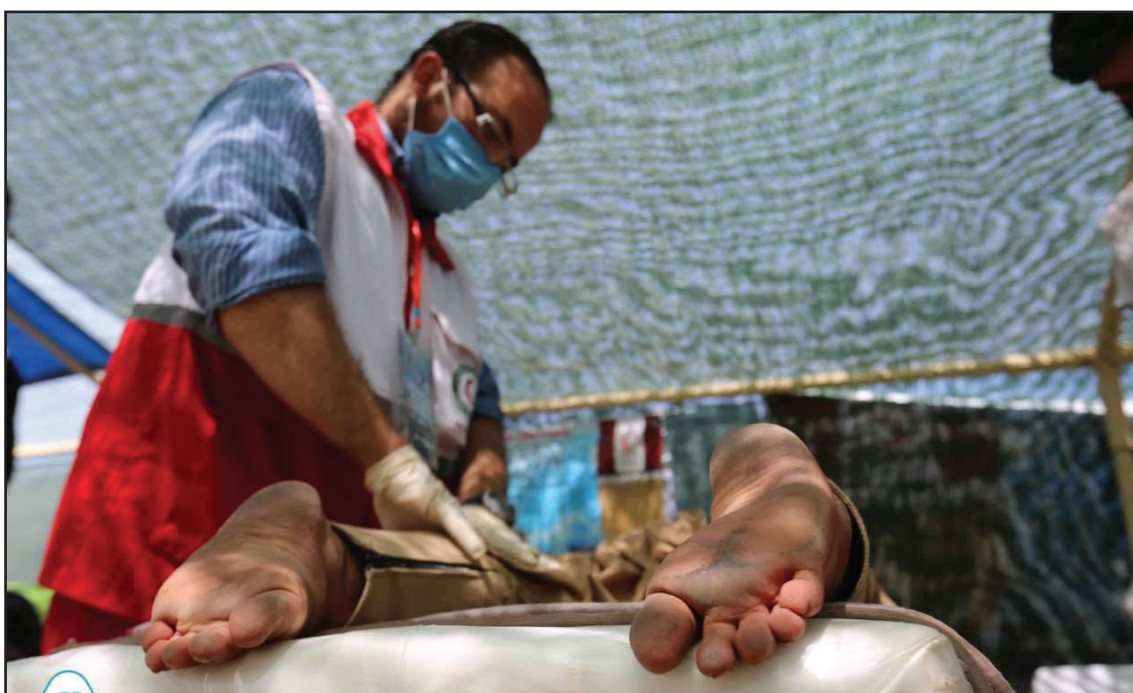
Photo:
Mahdiye Mousavi-Mohsen



فراهم سازی شرایط اسکان اضطراری و خدمات رسانی به زائران



ارائه خدمات بهداشتی- درمانی توسط پزشکان داوطلب در مسیرهای منتهی به مشهدالرضا (ع)





برپایی فضای دوستدار کودک و ارائه خدمات فرهنگی و سرگرمی برای کودکان



Photo: Mohsen Khodaparast



Photo: Arshia Zahang



Photo: Mohsen Khodaparast

آیین‌افتتاحیه و اختتامیه طرح‌های ملی خدمت‌رسانی به زائران علی‌ابن موسی‌الرضا(ع) در دهه پایانی ماه صفر





جمعیت هلال احمر
جمهوری اسلامی ایران

گزارش خدمات جمعیت هلال احمر

به زائران حضرت رضا (ع)

در دهه پایانی ماه صفر ۱۴۰۳